

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مکتب جامع علوم انسانی  
پایگاه نشر کتاب و پژوهش

• تاریخ نشر کتاب در ایران / عبدالحسین آذرنگ  
• چگونه کتاب بخوانیم؟ / ژوزف برادسکی / سما قرآنی

### آغاز نشر در ایران

تاریخ هر رشته‌ای از فعالیت‌های بشری، از زمان معینی، یا حدوداً از دوره مشخصی آغاز می‌شود، اما تعیین کردن نقطه‌های آغاز یا همیشه ممکن نیست، یا بر سر آنها همیشه اتفاق نظر نیست. یکی از علت‌های اختلاف دیدگاه‌ها، تعریف است و نشر هم به طور اعم و نشر کتاب به طور اخص، از این قاعده برکنار نیست. نشر را چگونه تعریف می‌کنیم؛ یا به چه صورت تعریف کنیم که اختلاف نظر بر سر آن به کم‌ترین میزان کاهش ییابد؟

اختلاف بر سر آغاز نشر در ایران، که در نوشته‌های شماری از پژوهش‌گران به چشم می‌خورد، شماری که به تاریخ نشر توجه نشان داده‌اند، از تعریف نشر ناشی می‌شود. آیا متنی که بر سنگ نقر شده باشد، مانند متن سنگ‌نبشته بیستون یا ستون نوشته‌های تخت جمشید، یا برای مثال، گواهی پرداخت دستمزدهای کارگران بر لوح‌های گلین که از کاوش‌های باستان‌شناختی عصر هخامنشیان به دست آمده است، یا گناه‌های نوشته شده بر پوست را می‌توان آغاز نشر در ایران قلمداد کرد؟ آیا باید به آثار دوره‌های پیش‌تر اشاره کرد، به آثار مادها، عیلامی‌ها، شهر سوخته، جیرفت، سیلک، و انتقال نقش بر

\* بخش‌هایی از اثر در دست تألیف نویسنده درباره تاریخ نشر و تاریخ ترجمه در ایران که به تدریج در بخارا چاپ خواهد شد - مجله بخارا

سفال و مهر را آغاز نشر قلمداد نمود و برای تاریخ نشر ایران پیشینه‌ای چند هزار ساله قایل شد؟ شاید بنا به تعریفی بتوان سنگ را گونه‌ای رسانه‌ای ارتباطی به شمار آورد و دیوارنگاشت‌ها و غارنگاری‌ها عصر پارینه سنگی را انتقال پیام بر رسانه سنگ تعریف کرد و سابقه نشر راحتی به ۵۰ یا ۱۰۰ هزار سال پیش برد و در میان کشورهای کهن و تمدن‌های باستانی جهان جایگاه ممتاز دیگری هم از این نظر برای ایران قایل شد. اما حقیقت آن است که این‌گونه تعریف‌ها و قراردادهای، با توجه به مختصات که صاحب‌نظران برای نشر برمی‌شمارند، در میان اهل تخصص اعتباری ندارد؛ یا اگر خوش‌بینانه داوری کنیم، فعلاً اعتباری ندارد. نشر باید از چند ویژگی برخوردار شود تا بتواند معنای مورد توافق را به دست آورد. این ویژگی‌ها چیست؟

نشر به فعالیتی سازمان‌یافته گفته می‌شود که به پشتوانه سرمایه مادی و معنوی، و دانش فنی، با استفاده از گونه‌ای فن‌آوری تکثیر، به قصد برقراری ارتباطی گسترده در محیطی اجتماعی، محیطی که مردم بهره‌مند از سواد خواندن در آن زندگی می‌کنند، برای انتقال پیام پدیدآورندگان (در معنای گسترده کلمه: نویسنده، مصنف، مؤلف، شاعر، مترجم، مولدان آثار دیداری و شنیداری) به مخاطبان و تأثیرگذاری ایجاد می‌شود.<sup>۱</sup> مراد خاص از نشر (= انتشار؛ منتشر کردن) در این نوشته، انتشار دادن یکی از گونه‌های رسانه‌گروهی به نام «کتاب» است. انتشار این گونه رسانه، با تکثیر و انتشار شمار دیگری از رسانه‌های گروهی، مانند روزنامه، نشریه ادواری، جزوه و کتابچه، فلاپی، سی‌دی، دی‌وی‌دی و جز آن، اشتراکات بسیاری دارد و این اشتراکات می‌تواند زمینه‌ای هم برای تعمیم باشد. با این حال، تأکید در اینجا فقط بر رسانه کتاب است.

با توجه به این جنبه‌ها، صرف انتقال نقش، مثلاً مهر زدن، یا هرگونه عمل تکثیر، مانند چاپ‌های باسمه‌ای، ولو به شمار بسیار، نشر نیست. پول چرمی تکثیر شده را در دوره گیخاتوخان (دوره حکومت: ۶۹۰-۶۹۴ ق) از حاکمان ایلخانی، که به قصد غلبه کردن بر بحران اقتصادی زمان خود توزیع شد و به آن «چاو» می‌گفتند، نمی‌توان پیشینه‌ای برای نشر به حساب آورد، هر چند که عمل تکثیر به شیوه چینیان در چاوخانه (فحل تکثیر

۱. برای تعریف جامع، می‌توانید به این دانشنامه ویژه نشر مراجعه کنید که به نشر از جنبه‌های مختلف آن توجه شده است:

Altbach, P.G; Edith, S.H. (eds.), *International Book Publishing : An Encyclopedia*. (Taylor & Francis, 1995).

چاپ) ای در تبریز و نیز عمل توزیع پس از تکثیر، در مقیاس گسترده‌ای در جامعه صورت پذیرفت. <sup>۱</sup> کوشش‌هایی که حدوداً سه سده بعد برای تکثیر چاپی نسخه‌ای از تورات به خط عبری فارسی (معروف به راشی) در استانبول انجام گرفت <sup>۲</sup> یا اقدامی که تنی چند از مبلغان مسیحی در لیدن (هلند) برای تکثیر چاپی چند کتاب به زبان و خط فارسی کردند، یا اقدام گسترده‌ای که کشیشان ارمنی کلیسای جلفای اصفهان برای وارد کردن فن آوری و دستگاه‌های چاپ از خارج و تکثیر شماری متن مذهبی به زبان و خط ارمنی در عصر صفویه به عمل آوردند <sup>۳</sup>، در پیشینه مستمر تاریخ نشر در ایران قرار نمی‌گیرد، هر چند که فن آوری تکثیر چاپی به کار گرفته شد و حاصل کار هم به صورت کتاب بیرون آمد. بخشی از این گونه کارها در تاریخ چاپ منابع فارسی و تاریخ چاپ در ایران بررسی می‌شود.

به استناد اشاره‌های شماری از سیاحان، و نیز براساس اسناد موجود در آرشیوهای هلند که ویلم فلور شناسایی و منتشر کرده است، در عصر صفویه کوشش‌ها و مذاکراتی از سوی شاه و درباریان برای ورود فن آوری و دستگاه‌های تکثیر چاپی به ایران به عمل آمد و شماری از ایرانیان با خبر از تحولات فنی در اروپا هم به ورود فن آوری چاپ علاقه نشان دادند <sup>۴</sup>، اما هیچ کدام از آن کوشش‌ها به نتیجه نرسید و اگر هم به نتیجه می‌رسید معلوم نبود که این فن آوری به ایجاد زمینه‌های ضروری برای راه افتادن فعالیت نشر در ایران کمک کند، زیرا بنا به تعریفی که در بالا آمد و اجزای تعریف، فن آوری تکثیر، که ممکن است در دوره‌ای تکثیر با سمه‌ای و با سمه‌وار، مثل چاپ سنگی، یا تکثیر چاپی با حروف سربی یا فن آوری‌های دیگر چاپ، یا تکثیر ژلاتینی، یا تکثیر و انتقال الکترونیکی باشد، تنها یکی از اجزای لازم برای نشر است؛ نشر با چاپ یکی نیست، و مادام که اجزای دیگر نشر موجود یا آماده نباشد و میان آنها پیوند برقرار نگردد، نشر زاده نمی‌شود. ابداع چاپ در چین و کره، سده‌ها پیش از ابداع چاپ در اروپا به کوشش گوتنبرگ، به ایجاد نشر نیانجامید؛ صرف شیوه چاپ گوتنبرگی به نشر منتهی نشد؛

۱. برای تفصیل این ماجرا، نک: اقبال آشتیانی، عباس، مجموعه مقالات، به کوشش محمد دبیرسیاقی (تهران، ۱۳۵۰)، ص ۳۴۲ و بعد.

۲. پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان (تهران، ۱۳۷۷)، ج ۱، ص ۱۸؛ تربیت، محمد علی، مقالات تربیت، چاپ ح. صدیق.

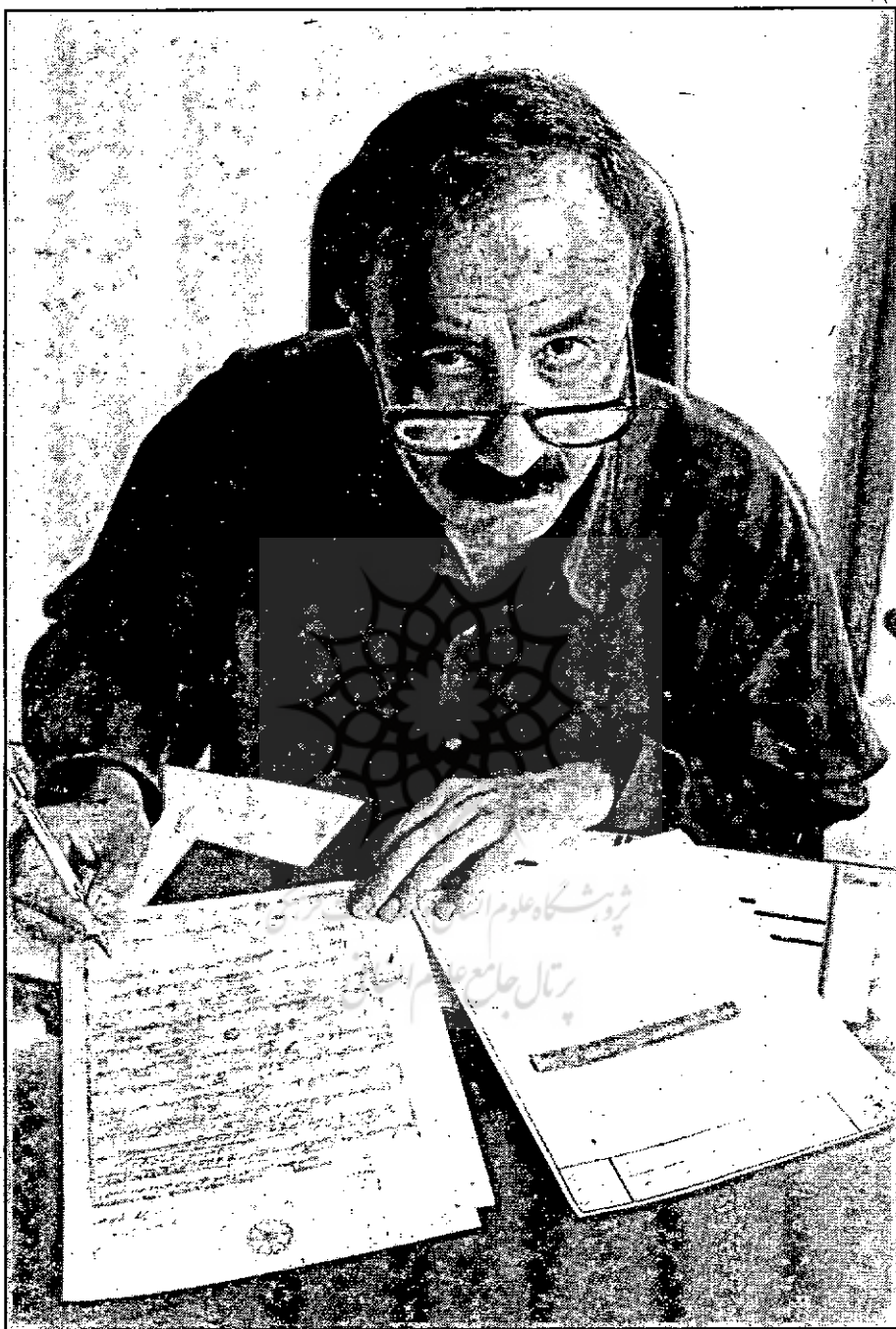
۳. میناسیان، لئون، «اولین چاپخانه در ایران»، در: مجموعه مقالات پنجمین کنگره تحقیقات ایرانی، به کوشش مرتضی تیموری (اصفهان، ۱۳۵۴)، ص ۲۴۴ و بعد.

۴. فلور، ویلیام، «چاپخانه در ایران عصر صفوی»، ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، آینده، سال ۱۲، ش ۱۱ - ۱۲ (بهمن - اسفند ۱۳۶۵): ۷۷۶ - ۷۷۷.

پیام‌هایی که سال‌هاست تولید، تکثیر و به امید رمزگشایی آنها در سیاره‌های دور دست به ژرفای فضا فرستاده می‌شود، نشر فضایی نیست. چاپ، و هر گونه روش دیگر تکثیر را نمی‌توان فعالیت انتشاراتی قلمداد کرد. ترکیب جفت «چاپ و نشر» که نه از سر دقت، بلکه بنا به عادت زبانی به کار می‌رود، نباید این مفهوم را القا کند که چاپ هر چیزی، یا هر گونه چاپی، نشر است. این دو از هم جداست و پیشینه چاپ و شیوه‌های دیگر تکثیر، پیشینه نشر نیست. اکنون که دستاوردهای الکترونیک در خدمت انتقال پیام قرار گرفته و نشر الکترونیکی، قلمروهایی را از نشر چاپی جدا کرده و به حوزه خود برده است، به خوبی می‌توان جدا بودن نشر از محمل تکثیری آن را حس کرد. برای مثال، مدام از انتشار مجله‌های تخصصی به صورت چاپی کاسته و بر شمار نشریه‌های الکترونیکی افزوده می‌شود. با این توضیح، حال اگر به تعریف نشر بازگردیم، می‌توان اجزای تفکیک شده زیر را برشمرد که تا همه آنها موجود نباشد و در کنار هم قرار نگیرد و دست به دست ندهد، نشر شکل نمی‌گیرد:

- فعالیتی سازمان یافته و اجتماعی؛
- پشتوانه‌های مادی، اقتصادی، و معنوی؛
- دانش فنی؛
- فن‌آوری تکثیر (هر گونه تکثیری، نه فقط تکثیر چاپی) و مواد لازم برای تکثیر؛
- محیط اجتماعی مساعد؛
- هدف ارتباطی؛
- سواد خواندن؛
- پدیدآورندگان (پیام فرست‌ها)؛
- مخاطبان (گیرندگان پیام).
- سازوکارهای آماده ساختن و انتقال پیام (تولید انتشاراتی، پخش‌گری و جز آن).

نکته‌ای که در تعریف مستتر است، اما شاید به توضیح نیاز داشته باشد، این است که مخاطب بهره‌مند از سواد که در عین حال دارای درآمد اقتصادی باشد و بتواند بخشی، ولو اندک و ناچیز، از درآمدش را برای کالایی فرهنگی هزینه کند، در همه جوامع در طبقه متوسط قرار می‌گیرد و تا این طبقه در جامعه‌ای وجود نداشته باشد، نشر نمی‌تواند شکل بگیرد. ابداع چاپی گوتنبرگ با چند تحول عصر جدید، از جمله نضح گرفتن طبقه متوسط اروپایی مقارن بود، طبقه‌ای که اندکی اوقات فراغت یافته بود، شهرنشین شده



● عبدالحسین آذرنگ (عکس از مریم زندی)

بود، هدف‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی داشت، می‌توانست بخشی از درآمدش را صرف خریدن محصولی فرهنگی کند، در فضاهایی جمعی به تبادل فکر و نظر بپردازد، و در نهایت برای تغییر و تحولی در وضع خودش یا در عرصه‌ای دیگر گام بردارد. این طبقه با ویژگی‌های کم‌ویش همانند، پس از تحولات اقتصادی و اجتماعی - سیاسی در دنیای جدید پسانوزایی (بعد از رنسانس اروپا در سده ۱۵ م) که جهان مدرن زاده شد و مدرنیته غربی به سراسر جهان گسترش یافت و امواج تحول بر کل جهان تأثیر گذاشت، به تدریج در جامعه‌های دیگر، از جمله در ایران، شکل گرفت و همراه با شکل گرفتن و تقویت آن، انواعی از فعالیت جدید، از جمله فعالیت انتشاراتی (بعداً صنعت نشر) پدید آمد.<sup>۱</sup> در عصر صفویه، و به رغم وضعیت مناسب اقتصادی در دوره‌هایی از آن، طبقه متوسط به معنای جدید آن در ایران شکل نگرفت. پس از سقوط این سلسله و آغاز دوره‌ای از انحطاط، رکود و درهم ریختگی تشکیلات اداری کشور، مجاللی برای رشد در هیچ زمینه‌ای فراهم نبود. در دوره حکومت نادرشاه افشار (سال‌های حکومت: ۱۱۴۸ - ۱۱۶۰ ق) که ثباتی در اوضاع داخلی برقرار شد، به گزارش دو سیاح خارجی جزوه‌هایی به زبان‌های لاتینی و عربی در ایران چاپ و پخش شد. احتمال می‌رود به کمک ماشین‌های کوچک و قابل حمل چاپ، این جزوه‌ها را که محتوای آنها تبلیغ مسیحیت بود، چاپ کرده باشند.<sup>۲</sup> در دوره زندیه (سال‌های حکومت: ۱۱۶۳ - ۱۲۰۸ ق) به تخمین، شاید بیش از ۷۰ عنوان کتاب فارسی در هند و اروپا چاپ شده باشد<sup>۳</sup>، اما اینها را هم نمی‌توان حلقه‌های به هم پیوسته سلسله تاریخ نشر در ایران به شمار آورد، زیرا از اجزای ضروری فعالیت نشر (برای مثال: پدیدآور، ناشر، چاپ‌گر، توزیع‌گر و سایر عناصر) هیچ کدام در ایران آن زمان وجود نداشته‌اند، جز نخبگانی اندک، شمار و فارسی زبان و باسواد، آن هم اگر که توانایی تهیه این‌گونه کتاب‌ها را می‌داشتند، یا این کتاب‌ها به طریقی به دست آنها می‌رسید.

پیدایش نشر ملی به عامل بسیار مهم دیگری هم بستگی دارد و آن ظهور ملت - دولت<sup>۴</sup> است. رابطه میان نشر و ملت - دولت، بحث مفصل و جداگانه‌ای است که در اینجا نمی‌توانیم به آن وارد شویم. در عین حال پیدایش ملت - دولت در ایران و زمان

۱. بسیاری از مفاهیم و جنبه‌هایی مربوط به طبقه متوسط، در دانشنامه‌های جامعه‌شناسی و از جمله در این کتاب: Marshal, Gordon, A Dictionary of Sociology (OUP, 1998).

۲. مولانا، حمید، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران (تهران، ۱۳۵۸)، ص ۲۸.

۳. پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان...، ص ۱۹.

پیدایش آن، موضوعی نیست که میان صاحب‌نظران بر سر آن اتفاق نظر باشد. از اختلاف دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها در این باره که بگذریم، به دورویداد تاریخی تکان‌دهنده می‌توانیم اشاره کنیم که به بحث ما مربوط می‌شود. برخی شکست نیروهای نظامی شاه اسماعیل صفوی (سال‌های حکومت: ۹۰۵-۹۳۰ ق) و مسلح به جنگ‌افزارهای سنتی را در برابر نیروهای نظامی سلیم خان اول، سلطان عثمانی، که در ۹۲۰ ق، برابر با ۱۵۱۴ م، نیمه‌دهه دوم سده شانزدهم اروپا، در دشت چالدران روی داد، واقعه‌ای تعیین‌کننده می‌دانند. نیروهای نظامی عثمانی به توپ‌های جدید، محصول فن‌آوری غرب، مجهز بودند و نیروهای ایرانی به رغم انگیزه‌های نیرومند مقاومت در برابر آنها و رشادت‌های بسیار سرداران و سربازان، از عهده برنیامدند و عقب‌نشینی کردند و شهر تبریز را هم از دست دادند. گفته شده است که این جنگ برای نیروهای ایرانی آن قدر جنبه حیثیتی داشت که حتی شماری از زنان در جامه‌های رزم مردان و دوشادوش همسرانشان در چالدران جنگیدند.<sup>۱</sup> این گونه تعبیر شده است که ایرانیان برای نخستین بار از فن‌آوری جدید غرب تجربه‌ای تلخ گرفتند و احساس تهدید و خطر جدی، آنها را به تقابلی واداشت که ملت - دولت در ایران از آن زاده شد<sup>۲</sup> و اوج اقتدار صفوی در دوره حکومت شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) تبلور ظهور مفهوم ملت - دولت در ایران است.

دیدگاه دیگر، توسعه‌طلبی امپراتوری روسیه تزاری، تجاوز نظامی به کشورهای همجوار و تصرف کامل یا بخش‌هایی از آنها را عامل تقابل جدی در ایران و پیدایش ملت - دولت در ایران می‌داند. بحث درباره‌ی روایی این دیدگاه‌ها موضوع بحث ما نیست و آن چه از مدارک و شواهد پیداست اینکه نبرد چالدران، اقتدار شاه عباس و موفقیت‌های اقتصادی در چند دوره حکومت صفویان به فعالیت در زمینه نشر نیانجامید، گرچه اقتصاد صفوی و مراودات گسترده حکومت صفویان با غرب به خوبی به آنها اجازه می‌داد فن‌آوری و دستگاه‌های تکثیر را وارد کنند و صنعت نشر را راه بیاندازند، حال آنکه چنین نشد؛ اما جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸-۱۲۲۸ و ۱۲۴۱-۱۲۴۳ ق / اوایل سده ۱۹ تا دهه سوم همین سده) که بدتر از جنگ چالدران به شکست سنگین نیروهای نظامی ایران و از دست رفتن بخشی از آبادترین قسمت‌های شمال غربی کشور انجامید، پی‌آمدهای عمیق و گسترده‌ای داشت و یکی از آنها پیدایش نشر در همان معنایی بود که

۱. نک: فصل سوم این کتاب: حجازی‌فر، هاشم، شاه اسماعیل اول و جنگ چالدران (تهران، ۱۳۷۴).

۲. بحث‌های متنوعی درباره‌ی پیدایش مفهوم و احساس هویت ایرانی در این کتاب آمده است: احمدی، حمید (به کوشش)، ایران: هویت ملت، قومیت (تهران، ۱۳۸۳).



امروزه هم به عنوان فعالیت نشر می‌شناسیم، هر چند که ویژگی‌هایی از آن خود دارد و همهٔ مختصات نشر در آن دیده نمی‌شود (در ادامهٔ مقاله به آن اشاره خواهد شد).

تهاجم گستردهٔ نیروهای نظامی سازمان یافتهٔ روسیه و مجهز به جنگ‌افزارهای جدید، کاربرد فنون نظامی حاصل از آموزش‌های نظام‌مند و روش‌مند از سوی این نیروها در برابر ارتشی که برای نبردهای کوتاه مدت ایلیاتی و داخلی آمادگی داشت، از جدی‌ترین تهدیدهایی بود که اگر با آنها مقابله نمی‌شد، دامنه‌شان افزایش می‌یافت و حتماً همان سرنوشتی در کمین ایران بود که آیندهٔ بخش‌هایی از صفحات قفقاز را دگرگون کرد. واکنش در برابر این موقعیت تهدیدکننده چند سوره بود و بخشی از آن در اقدامات عباس میرزا (۱۲۰۳ - ۱۲۴۹ ق) پسر با لیاقت‌تر فتحعلی‌شاه قاجار، به چشم می‌خورد که فرماندهی نیروی دفاعی ایران را در برابر قوای مهاجم به عهده داشت. اینکه عباس میرزا دربارهٔ عصر مدرن و دنیای غرب چه تصویری داشت، شاید محل توافق نظر صاحب‌نظران نباشد، اما آنچه از شواهد برمی‌آید این است که او در رویارویی‌های نظامی با قوای مهاجم، به کاستی‌های آموزشی، تربیتی، سازماندهی و تجهیزاتی نیروهای خود پی برده بود و برای برطرف کردن آنها چاره‌اندیشی می‌کرد.<sup>۱</sup> ورود فن‌آوری چاپ و تجهیزات تکثیر، بخشی از فرایند انتقال دانش‌ها و تجربه‌هایی بود که سرانی در دولت برای حفظ موقعیت خود و بقای دولت در وهلهٔ نخست، و تقویت بنیهٔ نیروی کشور در وهلهٔ دوم، به آن نیاز داشتند. شماری از سیاحان خارجی که در دورهٔ فتحعلی‌شاه از ایران دیدار کرده‌اند و نمایندگانی از سوی دولت‌های غربی رقیب، که با عباس میرزا ملاقات و گفت‌وگو داشته‌اند، وصف‌هایی از آن موقعیت به دست می‌دهند. برای نمونه به دو روایت و به اختصار اشاره می‌کنیم. پیر آمده ژوبر<sup>۲</sup>، افسر فرانسوی که در جنگ‌های ناپلئون بناپارت شرکت داشت و در عین حال مردی عالم بود و زبان‌های شرقی می‌دانست و برای مأموریتی سیاسی از سوی دولتش به ایران آمده بود، از حال و روز عباس میرزا و آنچه در اردوی او اتفاق می‌افتاد وصف‌های زنده‌ای به دست داده است.<sup>۳</sup> در این جا بخش کوتاهی از گفت‌وگوهای میان عباس میرزا با او و سپس میرزا شفیع مازندرانی، صدراعظم و از دولتمردان و مستوفیان با سابقهٔ قاجاری را با وی در

۱. برای اطلاعات تفصیلی‌تر دربارهٔ عباس میرزا، نک:

Busse, H., "Abbas Miraza", in : *Encyclopedia Iranica*, Vol.1.pp. 31ff.  
2. P.A. Jubert  
۳. دانش پژوه، منوچهر، سفرنامه... (سفرنامهٔ خارجیانی که از ایران دیدار کرده‌اند)، (تهران، ۱۳۸۰)، ج ۱، ص ۴۲۰ - ۴۲۱

اینجا نقل می‌کنیم که نشان می‌دهد پس از تقابل جدی ایران و روس، در میان دست‌کم شماری از بالاترین رده‌های زمامداران ایران چه نگرشی حاکم بوده است. عباس میرزا در دیدار با ژویر، پس از صحبت‌های مقدماتی این مطالب را به زبان می‌آورد:

ای اجنبی، شاید از دیدن این قشون و این دستگاه و مرکز قدرت، مرا همدردی خوش‌بخت و کامکار بینداری، ولی چه طور ممکن است که من خوش‌بخت باشم؟ مثل من مانند امواج متلاطم دریاست که به صخره‌های ساحلی برخورد کرده در هم می‌شکنند. نتیجه تمام زحمات من در برابر قشون روسیه به هیچ انجامید... من از دیدن قشونی که دورم را گرفته است احساس خجلت و شرمساری می‌کنم... مثنی از همین سربازان روستی تمام قوای مرا به خود مشغول داشته هر لحظه ما را تهدید می‌کنند. رودخانه ارس که زمانی داخل ایالات ایران جاری بود، از خاک اجنبی سرچشمه می‌گیرد و به دریایی می‌ریزد که سفائن دشمن آن را پوشانیده است... چه قدرتی است که به شما برتری و مزیتی را که نسبت به ما دارید عطا می‌کند؟ علت ترقی روزافزون [شما] و ضعف مداوم ما چیست؟ شما فنون حکومت کردن، پیروز شدن و استفاده کردن از کلیه قوا و استعدادهای بشری را به خوبی می‌دانید، حال آنکه ما... در جهل غوطه‌وریم، در بی‌خبری و غفلت نشو و نما می‌کنیم، و هرگز به آینده نمی‌اندیشیم... اجنبی، حرف بزن، با من بازگویی که برای بیدار کردن ایرانیان از خواب غفلت چه باید کرد؟<sup>۱</sup>

ژویر مطالب دیگری از قول عباس میرزا نقل، و به احساسات خودش درباره این شاهزاده و آمال، تألمات و تأملات او اشاره می‌کند که از آنها می‌گذریم و بر این نکته ژویر تأکید می‌کنیم که او در پاسخ گفته‌های عباس میرزا، از رشته انقلاب‌هایی که از دیرباز موجب تغییر اوضاع و احوال دنیای غرب شده است و تأثیر آنها بر سرنوشت ملت‌ها سخن گفته است.<sup>۲</sup> سپس به دیدار میرزا شفیع رفته است. ژویر می‌گوید او مردی «بسیار با هوش و دانا» بود و چندین بار با هم گفت‌وگو کرده‌اند. میرزا شفیع این مطالب را با ژویر

۱. به نقل از: ژویر، آمده، مسافرت به ارمنستان و ایران، ترجمه محمود مصاحب (تبریز، ۱۳۴۷)، ص ۲۱۵ - ۲۱۷.

۲. ژویر، همان، ص ۲۱۸.

در اینکه ما از تمدن اروپاییان دور افتاده‌ایم، تردیدی نیست. در حالی که مغرب زمینی‌ها رفته رفته دایره اطلاعات خود و سطح معلومات بشری را گسترش و توسعه می‌دهند، ایرانیان... همان‌اند که در زمان اسکندر بوده‌اند؛ هیچ اختراع مفیدی نکرده‌اند که بتوانند به خود بیالند... ما سابقاً روس‌ها را به علت آنکه در دریای جهل و نادانی غوطه‌ور بودند، حقیر می‌شمردیم، ولی امروزه از بسیاری جهات بر ما پیشی گرفته‌اند... نفوذ خود را... تا کرانه‌های ارس... و کوه‌های گرجستان بسط و گسترش داده‌اند. آنان دیگر با حمله‌های ناگهانی به ما نمی‌تازند، بلکه با قدم‌هایی آهسته، مطمئن، و حساب شده به سوی ما می‌آیند... بالاخره جلو سیل را که با سدّی ناچیز نمی‌توان گرفت. اگر مرزهای شمالی ما قابل گسترش نیست، چرا از شرق تا آن طرف قندهار پیش نرویم؟... ایرانیها که مردمی شجاع و شیفته تجدد و تشنه فتح و فیروزی هستند، چرا نباید برجسته‌ترین ملل نیم‌کره شرقی باشند؟<sup>۱</sup>

ژوبر نکته‌های دیگری هم از زبان میرزا شفیق نقل کرده است که پیداست به مذاکرات آنها درباره هند و سیاست فرانسه در ایران به قصد پیشروی به سوی هند مربوط می‌شود که در اینجا کاری با آن نداریم. به مشاهده و اظهار نظر دیگری اشاره می‌کنیم و بعد از آن به ادامه مطلب می‌پردازیم.

جیمز جاستینین موریه<sup>۲</sup> که در ایران او را با نام جیمز موریه، و به ویژه با کتاب حاجی بابای اصفهانی به ترجمه زبردستانه میرزا حبیب اصفهانی می‌شناسند، در دوره فتح‌علی شاه از اعضای سفارت انگلیس در ایران بود. سیاست انگلستان در آن زمان، نقطه مقابل سیاست فرانسه، اما با سیاست روسیه گاه همراه و گاهی هم از آن جدا بود. موریه در کنار مأموریت‌های سیاسی، در اوضاع و احوال ایران به مشاهده می‌پرداخت. ایرانیان شاید بسیاری از اظهار نظرهای او را هیچ دوست نداشته باشند، اما یادداشت‌های او برای خوش آیند ایرانیان نوشته نشده است. او هدف‌های سیاسی و مقاصد شخصی خود را

۱. ژوبر، همان، ص ۲۶۵ - ۲۶۸.

دنیال می‌کرد، اما برخی مشاهدات و اظهارنظرهایش، هر چند غرض‌ورزانه و پرکنایه، درخور توجه است، زیرا گذشته از جنبه مطالعات مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی، کاربرد تاریخی هم دارد. موریه در سفری به آذربایجان از اردوی عباس میرزا دیدار و فعالیت‌هایی را در آن اردو وصف کرده است. پس از جنگ‌های ایران و روس و شکست‌های قشون ایران در برابر مهاجمان، شماری صنعت‌گر اروپایی را در اردوی عباس میرزا به کار مشغول دیده است، درودگران و چرخ‌سازانی که زیر نظر مهندسی اروپایی ابزارهای فنی - صنعتی جدید می‌ساختند. موریه می‌گوید شاهزاده عباس میرزا از ابزارهای ساخته شده بسیار لذت می‌برد و بیش‌ترین شادی او ماشین توپ سوراخ‌کنی است که با نیروی گاو کار می‌کند و می‌تواند توپ‌های گوناگون بسازد. او از دیدن این جنب و جوش در آن اردو به این نتیجه رسیده است:

ایرانیان می‌توانند با شتاب به تمدن کامل برسند و اگر یکی از ملت‌های اروپا سیاستش چنان شود که اشتیاق ایرانیان را به هنرهایی که تاکنون از ما آموخته‌اند بیش‌تر کند، بن‌گمان سراسر ایران چیزی به یکباره دگرگونه با آنچه اینک هست خواهد گشت.<sup>۱</sup>

نگرانی موریه را می‌توان درک کرد. همکاری یکی از کشورهای اروپایی [فرانسه] با ایران می‌توانست اوضاع را به زیان انگلیسی‌ها برگرداند. تردیدی نیست که همکاری‌ها و وسعت دامنه آن می‌توانست در اوضاع و احوال داخلی ایران تغییراتی به بار آورد، اما نکته اصلی و مهم این نبود؛ نکته این بود که تقابل‌های جدید، هشیاری و آگاهی جدید به بار آورده، و باب گفتمان‌های تازه‌ای مفتوح شده بود. عباس میرزا و همکاران نزدیکش در آن زمان در صف مقدمی بودند که با موج‌های مدرنیته غرب غافلگیر شده بودند. نخستین موج بلندی که ضربه‌اش به ایران خورد، موج نظامی و تسلیحاتی جدید، در پی کم‌رمی، کم‌رنگی و ناکارآمدی سازوکارهای فرهنگ ایرانی در بخش‌هایی دوردست از کشور، ضعف مدیریت ناشی از فساد حکومتی و ناتوانی در رویارویی با مسائل و مناسبات عصر جدید بود. صف عباس میرزا به نخستین جنبه‌ای که توجه نشان داد و امکانات خود را صرف تقویت آن کرد، بنیه نظامی نیروهای دفاعی تحت امر خود بود.

۱. موریه، جیمز، سفرنامه جیمز موریه، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران، ۱۳۸۶)، ج ۲، ص ۲۶۵ - ۲۶۶ (عیناً به نقل از ترجمه).

بخشی از این سیاست تقویت، آموزش در مقیاس گسترده تر بوده، و وارد کردن فن آوری و دستگاه‌ها و ابزارهای چاپ و تکثیر از پیآمدهای همان سیاست بود که جنبه‌های دیگری از امکانات آن پس از ورود به تدریج کشف و شناخته شد، مورد استفاده قرار گرفت و به پیدایش صنعت نشر دولتی ایران و در خدمت مقاصد نظامی در وهله نخست و در جهت مقاصد دیگری در وهله دوم، که به آنها اشاره خواهیم داشت، به کار گرفته شد. اگر رابطه‌ای که در بسیاری از کشورها میان پیدایش و رشد صنعت نخستین نشر و طبقه متوسط برقرار است به همان صورت در ایران دیده نمی‌شود، علتی جز تهدیدهای نظامی خارجی و فوریت مقابله با حمله‌ها و هجوم‌ها ندارد. نشر پس از این مرحله نخست چگونه تحول یافت؟ پاسخ این پرسش را در تغییر اوضاع و احوال و تعامل میان انگیزه‌ها و نیروهای پیش‌برنده آن سراغ باید گرفت که بر پیدایش و سیر تحول نشر در ایران تأثیر گذاشتند.

(ادامه دارد)



منتشر شد :

شعبه پژوهش‌های انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگران معاصر ایران :

دکتر پرویز نائل خانلری

تالیف : هوشنگ اتحاد

فرهنگ معاصر - تهران - خیابان دانشگاه - شماره ۴۵

تلفن ۶۶۴۶۵۵۳۰